

اخبار کارگری

نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی:

دستگاه قضا، پشت پرده واگذاری ها را دریابد

نماینده ششمین دوره مجلس شورای اسلامی نسبت به احتمال برخی داد و ستدهای پشت پرده واگذاری های مشکل دار هشدار داد و از دستگاه های قضایی و امنیتی خواست تا از انگیزه و علت اصرار و حمایت برخی اشخاص حقیقی و حقوقی از خریداران واگذاری ها غافل نشوند.

به گزارش ایلنا، اکبر اعلمی تصریح کرد: پس از انتقادات و مستنداتى که درباره واگذاری پراپهام کشت و صنعت و دامپوروى مغان ارائه دادیم، گزارش تفریع بودجه سال ۱۳۹۶ دیوان محاسبات هم که توسط رئیس دیوان محاسبات در صحن علنى مجلس قرائت شد، درستی و حقانیت انتقادات ما را ثابت کرد.

وى با بیان اینکه به موجب گزارش دیوان محاسبات، ارزش واقعی کشت و صنعت مغان «در زمان رسیدگی دیوان» بیش از ۴۰۰۰ میلیارد تومان بوده که به ۱۷۵۰ میلیارد تومان واگذار شده است، آن هم با دریافت ۱۰۰ میلیارد تومان «حسه نقدی»، در نظر گرفتن دو سال تنفس و پرداخت الباقی قیمت مورد معامله در اقساط ۱۱ ساله، اظهار داشت: با توجه به تورم فزاینده موجود که در سال های آتی تشدید نیز خواهد شد و مقیاس قرار دادن «ارزش حال» واگذاری های ۱۳ سال قبل شرکت هایی نظیر کشتارگاه صنعتی اردبیل که قیمت امروز آن بیش از ۲۵ برابر قیمت سال واگذاری رشد کرده است، ارزش این بنگاه در زمان پرداخت آخرین قسط به بیش از صد هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

او ادامه داد: اگر تا دیروز مجلس، دستگاه قضایی و سایر دستگاه های نظارتی مسئول و حتی شخصیت های حقیقی و حقوقی با تردید به این مساله می نگرىستند و در برابر چوب حراج زن به بیت المال سکوت اختیار کرده یا به دلیلی واکنشی از خود نشان نمی دادند، گزارش دیوان محاسبات حجت را بر آنان تمام کرد.

اعلمى ادامه داد: در این میان نکته ای که همچنان برپاى راهی از ابهامات می افزاید و واگذاری پر مساله کشت و صنعت مغان را با شک و شبیهه های فراوان مواجه می کند این است که به رغم تاکید یکی از مهمترین مراجع قانونی مبنی بر وقوع انحراف و خسارت بیش از ۲۱۰۰ میلیارد تومانی به بیت المال، هنوز هم برخی مدیران استانی، غیر مسئولانه به حمایت از این واگذاری پرداخته و سنگ خریدار را به سینه می زنند.

■ ■ ■

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: دستمزدها باید به اندازه نرخ واقعی تورم افزایش یابد

عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۹۸ گفت: با توجه به تورم ۴۰ درصدی، باید حقوق کارگر را ۴۰ درصد افزایش دهیم. در این صورت، تازه توانسته ایم سفره کارگر را در همان حالتی که بوده حفظ کنیم، بدون آنکه بر آن چیزی بیافزاییم. به گزارش ایلنا، محمد حسن نژاد با بیان اینکه وظیفه جلسه شورای عالی کار این است که سفره کارگران را تامین کند و در صورت بزرگ تر نشدن آن، اجازه کوچک تر نشدنش را هم ندهد، گفت: عده ای می گویند که اگر دستمزدها افزایش یابد، تورم افزون خواهد شد. مگر تورم روی چه چیزی جز کالا نمود می یابد؟ در واقع، کارفرما، سرمایه دار و سرمایه گذار بیشتر با افزایش تورم سودش را به دست آورده چرا که کالایش را با قیمت بالاتر عرضه کرده است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تاکید کرد: کارفرما باید به اندازه تورم دستمزد کارگر را افزایش دهد. نمی شود که سرمایه دار و سرمایه گذار از افزایش قیمت منافعهش را حاصل کند اما کارگران تنها هزینه افزایش قیمت ها را بدهند.

وى با تاکید بر اینکه ما برابر هستیم و برابری باید رعایت شود، اظهار داشت: تورم اکنون به ۴۰-۵۰ درصد رسیده است. در این میان، کارفرما سودش را برده و کارگر دارد هزینه آن سود را پرداخت می کند. این از انصاف به دور است. کمترین کاری که شورای عالی کار می تواند انجام دهد، این است که به اندازه نرخ واقعی تورم، دستمزد ها را افزایش دهد.

عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۹۸ گفت: در حال پیگیری افزایش حقوق کارمندان دولت هستیم. دولت نماینده مردم است و باید متوجه وضعیت کارگران هم باشد. اگر مجلس و دولت شرایط کارگران را در تصمیماتشان در نظر نگیرند، کارگران مورد ظلم واقع می شوند.

تلاش برای بهره کشی بیشتر به نام کار آفرینی اجتماعی

خیریه هایی که قانون را دور می زنند



تسرین هزاره مقدم

زنی تنهاست؛ زنی که بدون پشتوانه خانوادگی و اجتماعی مجبور شده در یک موسسه به اصطلاح خیریه با ۵۰۰ هزار تومان حقوق ماهانه، مشغول به کار شود. او دستمزد ثابت ندارد و گاهی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان نصیبش می شود چرا که دستمزدش توافقی است، هر تعداد شلوار مردانه که برش بزند، بر همان اساس هم دستمزد می گیرد.

این زن در یک موسسه خیریه به اصطلاح مدرن کار می کند، از آن دست موسسات خیریه ای که در سال های اخیر انجام عمل خیر و جمع آوری پول برای مستمندان را با یک پدیده نوظهور به نام کار آفرینی اجتماعی تلفیق کرده اند. آنها اقشار آسیب پذیر را بر سر می آورند، کسانی که به قول خودشان هیچ «کارفرمای اقتصادی» حاضر به به کارگیری آنها نیست اما از مقررات الزام آور قانون کار تبعیت نمی کنند. زنان، معتانان بهبود یافته، معلولان و کسانی که سابقه جرم و زندان دارند، بهترین سوزه ها برای این به اصطلاح کار آفرینی اجتماعی هستند

پدیده کار آفرینی اجتماعی بدون مدیریت و نظارت دقیق، می تواند فضای روابط کار را که در شرایط فعلی به اندازه کافی به هم ریخته و غیر نظام مند است، ناسامان تر نیز کند تا جایی که به بهانه کار آفرینی و بهره برداری از ظرفیت های حداقلی نیروی کار مثلاً غیربهره ور، حقوق کار از جمله حداقل دستمزد، بیمه، اصول ایمنی و سایر الزامات قانونی زیر سؤال برود.

خیریه ها دنبال سود مضاعف هستند

علی خدایی، عضو کارگری شورای عالی کار با اشاره به اینکه کار آفرینی اجتماعی می تواند ابزاری سازمان یافته برای استثمار کارگران باشد، می گوید: نباید به خیریه ها اجازه دهند که با بهره

زنی که در یک کارگاه وابسته به یک موسسه خیریه در یکی از محلات فرودست اصفهان مشغول به کار است، بیمه و حداقل دستمزد در رویایی برای خود می داند و بر اساس تلقیناتی که با او شده، معتقد است که لیاقت ندارد دیمه شود و کسی حاضر نیست او را با بیمه به کار بگیرد

بردن از معافیت های مختلف، هر جور که می خواهند به همه عرصه های خرد و کلان اقتصاد ورود کنند. او ادامه می دهد: بعضی از آنها پیش از این پولشویی می کردند، زدویند می کردند و واردات و صادرات بدون تعرفه و بدون معطلی داشتند و حالا به فکر افتاده اند کارگاه بزنند و از آدم های آسیب پذیر اجتماع بهره جویی کنند. دنبال سود مضاعف هستند. این خیریه ها پول روی پول می گذارند و بهیچ کس هم جواب پس نمی دهند. بحث معافیت های خیریه ها، بحث پیچیده و گسترده ای است. شاید اصلی ترین دلیل رشد بیمار گونه خیریه ها و اینکه در کوچه ها و خیابان های محلات فرودست و بالادست شهر ها، تعداد بیشماری موسسات خیریه از زمین سر بر آورده اند، همین معافیت ها و تسهیل گیری ها باشد. مهم ترین معافیت این است که موسسات خیریه، مالیات نمی پردازند. اگر این موسسات وابسته به نهادهای دولتی یا عمومی مثل شهرداری ها باشند، از پرداخت عوارض، قبوض انرژی و جرایم شهری و حتی کرایه خانه و مغازه هم معاف هستند. همین معافیت ها و ارتباطات گسترده با نهادهای بالادستی، فضای کسب و کار و رشد و نمو خیریه ها را در ابهام فرو برده؛ ابهامی که عدم شفافیت مالی، اولین پیامد آن است.

غلامحسین دوانی، عضو شورای عالی انجمن حسابرسان خبره ایران در ارتباط با عدم شفافیت مالی موسسات خیریه می گوید: از بین هزاران مؤسسه خیریه در ایران به جز چندمؤسسه خیریه بزرگ که همگی می شناسیم، خیلی ها صورت های مالی خود را افشای نمی کنند. دوانی درباره مرجع رسیدگی به وضعیت مالی خیریه ها می گوید: موسسات خیریه به طبق قانون مکلف هستند تحت نظارت دولتی نماینده آن یعنی سازمان امور مالیاتی باشند. فروش لاستیک می کنند!

دوانی در باره مرجع رسیدگی به وضعیت مالی خیریه ها می گوید: موسسات خیریه به طبق قانون مکلف هستند تحت نظارت دولتی نماینده آن یعنی سازمان امور مالیاتی باشند.

کمک های نقدی و غیر نقدی به قصد تأثیر گذاری بر جامعه هدف، نمونه ای از این سوء استفاده ها است. استفاده از اسامی مقدس و توسل به مسائل اعتقادی برای تحت تأثیر قرار دادن جامعه نیز یکی دیگر از روش هایی است که به طور گسترده استفاده می شود و همان طور که به یاد دارید در زمینه مؤسسات مالی و اعتباری همین ترفند تا آنجا پیش رفت که بانک مرکزی در نهایت استفاده از این اسامی را درباره مؤسسات مالی به کلی ممنوع کرد. به طور عمده خیریه هایی که در ایران تأسیس شده اند به دلیل فسادهایی که در بعضاً آنها صورت می گیرد، مشکل زا هستند

این حسابرس خبره ادامه می دهد: تا قبل از وضع قوانین جدید، سازمان امور مالیاتی اشرف زیادی بر این مؤسسات نظارت ولی با اجرای طرح جامع مالیاتی، سازمان مالیاتی بر این مؤسسات نیز اشرف دارد و با متخلفان برخورد کرد. اگر این گونه مؤسسات در قالب ماده ۱۳۹ قانون مالیات های مستقیم و آیین نامه های آن اقدام به فعالیت کنند، می توان امیدوار بود که شفافیت ایجاد شود، و گر نه این گونه مؤسسات به محفل های مخرب اقتصادی تبدیل می شوند. به طور ویژه ناظر مالی از طرف سازمان مالیاتی باید بر فعالیت این مؤسسات نظارت کند. با تاجرهای که شخصات در این زمینه دارم اصلا به فعالیت چنین مؤسساتی خوش بین نیستم و این سؤال مهم را مطرح می کنم که وقتی گزارش های آسیب شناسی وضعیت کشور نشان از شیوع ۷۸ درصدی تقلب و ۸۰ درصدی بی اعتمادی به یکدیگر دارد، چگونه می توان پذیرفت که این همه خیر در ایران وجود داشته باشد و درست عمل کند؟ حتی اگر فرض کنیم که همه این مؤسسات نهایت فعالیت خیریه دارند، باید تحت نظر قانون و ضابطه مند عمل کنند. تابستان سال گذشته، الهام امین زاده، دستیار ویژه رئیس جمهور در امور شهروندی با اشاره به گردش مالی ۳۰-۴۰ هزار میلیاردی خیریه ها، از بیرون ماندن عده ای از محرومان و مقاصد سیاسی-اقتصادی خود در جهان استفاده کرده اند. مافیا در جنوب ایتالیا فعالیت خیریه گسترده داشت یا اسکوبار در آمریکای جنوبی از همین طریق برای خود محبوبیت می خرید. همین امور بنیاد خیریه بیل گیتس نمونه ای از تلاش برای تأسیس بنیادهای خیریه است که عملا ثروت عظیمی را از زیر چتر مالیاتی با روش های حقوقی خارج می کند. در ایران نیز وضعیت همین گونه است و شاهدیم مؤسساتی که با اهداف فرهنگی و انسانی تشکیل شده اند، واردات لاستیک انجام می دهند ساخت و ساز می کنند یا کشتی خرید و فروش می کنند.

وی می گوید: استفاده از این مؤسسات در دنیای سیاست نیز بسیار تجربه شده است. برگزاری مراسم مختلف به بهانه امور خیریه در ابرام انتخابات و توزیع کمک های نقدی و غیر نقدی به قصد تأثیر گذاری بر جامعه هدف، نمونه ای از این سوء استفاده ها است. استفاده از اسامی مقدس و توسل به مسائل اعتقادی برای تحت تأثیر قرار دادن جامعه نیز یکی دیگر از روش هایی است که به طور گسترده استفاده می شود و همان طور که به یاد دارید در زمینه مؤسسات مالی و اعتباری همین ترفند تا آنجا پیش رفت که بانک مرکزی در نهایت استفاده از این اسامی ممنوع کرد. به طور عمده خیریه هایی که در ایران تأسیس شده اند به دلیل فسادهایی که در بعضاً آنها صورت می گیرد، مشکل زا هستند

حدود دیمی از موسسات خیریه، غیر شفافند

جدا از انتقادات کارشناسانه، بایک نگاه اجمالی و یک حساب سرانگشتی می توان به راحتی متوجه شد که بعضی از این خیریه ها به تنها هدفی که نمی پردازند، خیر نیستند. طبق آخرین آمار های منتشر شده از سوی کمیته امداد، بیش

از ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند. مسلمان یک جای کار می لنگد که با وجود بیش از ۳۰ هزار خیریه و گردش مالی ۴۰ هزار میلیارد تومانی آنها، اوضاع فقر در کشور این گونه نابسامان است! چرا این چند ده هزار خیریه نتوانسته اند قدمی حداقلی برای کاستن از فقر فراگیر بردارند؟ چرا سال به سال، به رغم سیر صعودی مؤسسات خیریه، آمار افراد سوق داده شده به زیر خط فقر بیشتر می شود؟! تابستان سال گذشته، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با تایید وجود بیش از ۱۵ هزار موسسه خیریه در کشور، گفت: حدود دیمی از این مؤسسات غیر شفاف هستند! امحمدعلی کوزه گر، معاون مشارکت های مردمی و توانمندسازی سازمان بهزیستی کشور نیز در خرداد ماه سال جاری، در ارتباط با تعداد رو به افزایش خیریه های کشور گفت: تعداد مؤسسات خیریه در کشور روز به روز در حال افزایش است و هم اکنون ۴۵ هزار موافقت نامه اصولی برای انجام مراحل بعدی تأسیس مؤسسات خیریه و همچنین ۳۸ هزار پروانه فعالیت برای مؤسسات خیریه پیشین صادر شده است.

اما کار آفرینی اجتماعی با هدف تسهیل مقررات کار، سویه جدید این مؤسسات است که طی لابی گری با برخی نمایندگان مجلس و به بهانه رفع بیکاری، در تلاش هستند از روابط کار، مقررات زدایی کنند. این سویه جدید و به عبارت دقیق تر، دخالت منفی آنها در اقتصاد خرد و عرصه روابط کار، چراغ خطر را برای فعالان کارگری روشن کرده و آنها را به واکنش جدی واداشته است.

حسین حبیبی، عضو هیات مدیره کانون عالی شورا های اسلامی کار کشور با تاکید بر اینکه ورود مؤسسات خیریه به عرصه روابط کار و تلاش آنها برای معرفی قانون کار به عنوان مشکل اشتغال زایی، بسیار نگران کننده است، می گوید: در دهه ۷۰ فعالان کارگری ساکت نشستند تا عده ای از کارفرمایان خرد به بهانه حمایت از رونق تولید، قرار دادهای دائم و امنیت شغلی را نابود کنند. حال اگر ساکت بنشینیم، تاریخ به گونه ای دیگر تکرار خواهد شد. این بار مؤسسات خیریه و این کار آفرینان اجتماعی به بهانه کار آفرینی و رفع بیکاری، حداقل دستمزد را زیر پای می گذارند. او ادامه می دهد: نمایندگان مجلس باید به جای گوش دادن به لا طائلات این گروه ها در مذمت قانون کار و حداقل مزد، برای ساماندهی این مؤسسات که به هیچ صراطی مستقیم نیستند و از تمام خنه های قانونی برای سودجویی استفاده می کنند، اقدام کنند. حبیبی تاکید می کند: اگر روستاییان، زنان سرپرست خانوار، بهبود یافتگان، معلولان و زندانیان را از حق و حقوق قانونی محروم کنند، فردیگر کسی نمی ماند که از مزد قانونی محروم شود. حتی حقوق مزدی کارگران فنی نیز با هزار ترفند

پدیده کار آفرینی اجتماعی بدون مدیریت و نظارت، می تواند فضای روابط کار را نابسامان تر کند تا جایی که به بهانه کار آفرینی و بهره برداری از ظرفیت های حداقلی نیروی کار مثلاً غیر بهره ور، حقوق کار از جمله حداقل دستمزد، بیمه، اصول ایمنی و سایر الزامات قانونی زیر سؤال برود

سلب خواهد شد چرا که اگر به سرمایه و سرمایه دار میدان داده شود، برای جولان دادن کم نمی آورد.

این مسیر به «توسعه» نمی رسد
کمال اطهار ی، کارشناس اقتصاد توسعه نیز با بیان اینکه جزئیات عملکرد خیریه ها نیازمند بررسی است، تاکید می کند: در اقتصاد دانش بنیان، حقوق نیروی کار از الزامات اصلی ست و غفلت از آن، اساس اقتصاد از بین می برد.

وى با بیان اینکه حداقل دستمزد مکفی یکی از مولفه های کار شایسته است که اگر نباشد، رشد اقتصادی همگون و همه جانبه میسر نخواهد شد، می افزاید: کسانی که می خواهند با حذف حقوق نیروی کار، به توسعه و رفیع بیکاری برسند، مسیر غلط می روند. این مسیر به «توسعه» نمی رسد. در نهایت به رغم همه این انتقادات اصولی و ساختاری، خیرین همچنان به کار آفرینی اجتماعی خود با هدف مثلاً «رفع بیکاری» و «ایجاد اشتغال برای گروه های آسیب پذیر» ادامه می دهند. مریم، زنی که در یک کارگاه وابسته به یک موسسه خیریه (محله حصه) مشغول به کار است، بیمه و حداقل دستمزد را یک رویا برای خود می داند و بر اساس تلقیناتی که در کارگاه او شده، معتقد است که «لیاقت» ندارد که او را بیمه کنند و کسی حاضر نیست او را با بیمه به کار بگیرد! این نگاه، حاصل عملکرد کسانی ست که با سودجویی منفی از پارادایم «کار آفرینی اجتماعی» این نگاه را به نیروی کار تلقین می کنند که باید خدا را شکر کنند که «کار» دارند! حالت روحی مریم، ترکیبی از ترس و ناامیدی ست. او به بهتر شدن اوضاع کارش امیدی ندارد. البته از پیدا کردن کار بهتر و حقوق بیشتر هم ناامید است. روحیه ناامید و شکست خورده مریم و امثال مریم، بهترین محمل است برای سودجویی موسساتی که با هزار منت، یک «اشتغال غیر شایسته» را به جای رفع ساختاری بیکاری جای زنند؛ مؤسسات کار آفرینی که بر اساس اطلاعات منابع موق، این روزها «نماینده مجلس را مجاب کرده اند طرح مقررات زدایی را افه شده توسط آنها را در دستور کار قرار دهند.



شورای عالی کار با تعداد بیش تری حاضر شوند در دفاع از مطالبات کارگران تصمیم گیری هاموفق خواهند بود؛ بنابراین نمایندگان هر سه تشکل رسمی باید پای میز مذاکرات مزد باشند تا دفاع از حقوق کارگران به شکل مطلوب تری دنبال شود مگر آنکه توافق داخلی برای تغییر ترکیب صورت گیرد یا قانون اصلاح شود.

اعضای شورای عالی کار گفت: تازمانی که در قانون، شورا های اسلامی کار، انجمن های صنفی کارگری و مجمع نمایندگان وجود دارد نمایندگان هر سه بخش باید در جلسات شورا حضور داشته باشند و اگر تصمیم وزارتخانه این باشد که در ترکیب اعضا تغییری حاصل شود این کار نیازمند اصلاح قانون است. اما هر چه نمایندگان کارگری در جلسات

وظیفه نظارتی خود عمل کند و نسبت به دو گروه کارگری و کارفرمایی بی تفاوت نباشد. بیات با بیان اینکه اسمال شورای عالی کار وظیفه سنگین تری در قبال تعیین مزد دارد، اظهار کرد: شورای عالی کار حقوق و دستمزد تمام بیمه شدگان، کارگران و حتی افراد شاغل فاقد بیمه را تصویب می کند و برای همه کشور یک نرخ دستمزد تعیین می کند بنابراین تصمیمات شورای عالی کار با در نظر گرفتن نرخ تورم، خط فقر و شرایط روز بازار کار حائز اهمیت است. این مقام مسئول کارگری از شورای عالی کار خواست تا جلسات دستمزد را به طور منظم و منسجم بر گزار کند و به روزهای پایانی سال موکول نکند تا فشار کار، جلسات دستمزد را تحت تأثیر قرار ندهد. وی در پایان درباره ترکیب

مالیات، نقدینگی و بانک هاست که ارتباطی به کارگران ندارد و شاید بتوان گفت که دستمزد سهم بسیار اندکی از هزینه های کارفرمایان را به خود اختصاص می دهد. بنابراین از کارفرمایان می خواهیم که مشکلات خود را تنها با دستمزد کارگران تاخت نزنند و هنگام تعیین دستمزد به جای دولت با کارگران تسویه حساب نکنند.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی با تأیید مشکلات کارفرمایان گفت، نمی توان مشکلات کارفرمایان را هم نادیده گرفت چون افزایش قیمت مواد اولیه باعث شده تا قیمت بسیاری از کالاها و محصولات تولیدی بالا برود و در این شرایط تولید و واحدهای تولیدی با مشکل مواجه شوند. دولت در چنین شرایطی باید به

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی می گوید دولت باید به جریان تعیین دستمزد سال ۹۸ کارگران ورود کند و کارفرمایان را نسبت به بیمه و مالیات و دارایی مورد حمایت قرار دهد تا جریان مذاکرات مزد روند متعادلی پیدا کرده و دست کارفرمایان برای افزایش دستمزد کارگران باز باشد.

فتح اله بیات در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: امروز در شرایطی قرار داریم که دولت باید بیش از گذشته به مبحث مزد کارگران ورود کند تا نمایندگان کارگری و کارفرمایی در جلسات دستمزد با فراغ بال بهتری مذاکرات مزد را پیش ببرند. وی ادامه داد: بخش اعظمی از مشکلات کارفرمایان مربوط به بیمه و دارایی، عوارض و

گزارش

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی:

کارفرمایان مشکلاتشان را با دستمزد تاخت نزنند